

۲۷. گناه انسان

چون ابلیس از ادامه کار اغواکننده خود رسماً بازداشته شد منطقه جدیدی برای فعالیت خود در بین بشر نو مخلوق پیدا کرد. او مسرت و خوشی زوج مقدس را ملاحظه کرد و متوجه سعادت‌ی که تا بابد از دست داده بود گردید و تصمیم گرفت آنان را نیز به نافرمانی وا دارد تا از آن امتیاز نیز محرومشان سازد و محبتشان را به بی اعتمادی و سرودهای شکر آمیزشان را بخواری تبدیل نماید.

ابوالبشر از خطرات دشمن حيله گر بی خبر نبود. فرشتگان آسمان او و همسرش را از تاریخ و گذشته زهره و انقلابش و همچنین از نقشه شیطان برای بدرآوردن آنان از راه مستقیم آگاه کرده بودند. چون سقوط ابلیس در نتیجه خوار شمردن قواعد خداوند بود، اهمیت اطاعت از فرامین پروردگار برای حضرت آدم و حوا از اهم وظائفشان محسوب میشد تا نظم و عدل بر قرار و پایدار بماند.

احکام خداوند همانند خود خداوند مقدس میباشند. شریعت خداوند مکاشفه اراده و اظهاری از محبت ازلی اوست. هماهنگی کائنات مشروط بر همکاری تمامی مخلوقات جاندار و بیجان به مقررات ابدی خالق می باشد. خداوند قوانین بخصوصی تعیین فرمود تا نه فقط نوع بشر بلکه کلیه طبیعت نیز تحت سلطه و نفوذ قانونهای طبیعی در آیند. بین جمیع مخلوقات کرة زمین تنها انسان تابع احکام اخلاقی می باشد. فقط به انسان که اشرف مخلوقات بوده امکان ادراک و قدرت تفهیم فضیلت احکام و مسؤلیت نسبت به آنها عطا شده است. بنابراین فقط انسان مستلزم اطاعت

کامل از فرمانهای پروردگار میباشد.

ساکنان عدن (بهشت) همانند فرشتگان، دوره آزمایشی را میگذرانیدند. ادامه مسرتشان مشروط به اطاعت از احکام الهی بود. آنان آزاد بودند اطاعت کنند و زنده بمانند یا تخلف ورزند و بمیرند. خداوند امتیازات عظیمی به آنان سپرده بود و اگر اراده مقدس خالق را خوار شمارند آن که فرشتگان را دریغ نداشت آنان را نیز دریغ نخواهد نمود. تخلف و گناه، آنان را نیز شکست خواهد داد.

فرشتگان مقدس حضرت آدم و حوا را از وسوسه های شیطان آگاه نمودند. اگر در اولین حمله در برابر اغوای او مقاومت نموده وفادار می ماندند از دام شیطان در امان بودند ولی در صورت تخلف قدرت بر علیه شیطان در بشر تضعیف شده نخواهند توانست که پیروز شوند.

درختی در وسط باغ عدن گذاشته شد تا عامل آزمایش آنان شود. خداوند در فیض و محبت خود تنها این یک تحریم را در محیط بشر نومخلوق گذارده بود. از میوه تمام درختان می توانستند آزادانه بخورند و شیطان فقط در نزدیکی این یک درخت می توانست با آنان تماس گیرد. مادامی که مطیعانه از آن یک درخت دور می ماندند محال بود شیطان بنزدشان آید و شرارت را بر آنان تحمیل کند. اگر آنان زیر سلطه شیطان در آیند صد در صد در نتیجه خواست خودشان خواهد بود - خود باید حضور شیطان را در اطراف آن یک درخت بجویند. برای دفاع از این خطر فرشتگان به زوج مقدس گوشزد کرده بودند که هرگز از همدیگر جدا نشوند مبادا

بتنهائی تحت تأثیر ابلیس قرار گیرند.

روزی ام البشر در کار باغداری بی اراده از پهلوی شوهر خود دور شد و وقتی که متوجه گردید که تنهاست احساس خطری نکرده تصور کرد که خود حکمت و قوت کافی دارد تا بین خوبی و بدی فرق بگذارد و از بدی احتراز نماید. طولی نکشید که با علاقه عجیبی به همان درختی که خدا منع کرده بود می نگریست. ابلیس از فرصت استفاده کرده توسط ماری که واسطه قرار داده بود فوراً از زن سؤال کرد - «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخرید؟». (پیدایش ۱:۳).

در این برخورد شیطان توسط ماری که از همه حیوانات صحرا که خداوند ساخته بود هوشیارتر و زیباتر بود با حضرت حوا صحبت نمود. زن از صحبت کردن مار متعجب شده بجای اینکه وسوسه شیطان را متوجه شود مکث کرده به حرفهای مار گوش فراداشت و جواب داد: «از میوه درختان باغ می خوریم لکن از میوه درختی که در وسط باغ است خدا گفته از آن نخورید و آن را لمس نکنید مبدا بمیرید». مار بزن گفت "هر آینه نخواهید مرد بلکه خدا میداند در روزی که از آن بخورید چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود." (پیدایش ۳:۳-۵).

شیطان ادعا کرد که با خوردن میوه این درخت وجود بشر بسطح بالاتری ارتقا خواهد یافت. گفت که خود از آن میوه خورده قدرت تکلم را یافته است و اشاره کنان نشان داد که خداوند حقیرانه میوه درخت خوبی را از آنان باز داشته است تا

مبادا حکمت و قدرتشان زیاد شود و بالاخره آنان را مثل خدا گردانند. خدا فقط می خواست آنان را بترساند. ادعا کرد که خداوند آنان را از زندگی بهتر و مسرت بیشتری باز میدارد.

کار شیطان از ابتدأ همین بوده است. از اولین برخوردها با نوع بشر تا به امروز موفقیت عجیبی بدست آورده است. مردم را نسبت بخالق مهربان مشکوک می گرداند ، سپس نهال شک را آبیاری می کند تا میوه بی ایمانی و گناه بار آورد که نتیجه آن مرگ است. البته شیطان منکر همه این اقدامات است و بسیاری فریب او را خورده و می خورند.

شیطان بزوج اول تأکید کرد که در نتیجه تخلف، سود خواهند برد. آیا امروز نیز از این نوع گفتار شنیده نمی شود؟ خطاکاران، مطیعان خداوند را کوتاه نظر و بی حکمت می دانند. زندگی گناه آلود و شهوت انگیز مثل نوشیدن مشروبات و خوردن چیزهای ناپاک و حرام را مسرت و خوشبختی تفسیر می کنند. اینهمه انعکاسی است از دروغ شیطان که تکرار می کند «در روزی که از آن خوردید» - یعنی در موقعی که از حکم خدا تخلف ورزیدید - «مانند خدا عارف نیک و بدخواهید بود.» شیطان وانمود کرد که با خوردن میوه درخت ممنوعه وضع خود را بهتر کرده است ولی حقیقت اخراجش را از فردوس کتمان کرد. خود بخوبی می دانست که تخلف و طغیانش نتیجه بی نهایت بدی داشت ولی برای کشانیدن دیگران در دام اسارت خود مصمم بود. امروزه نیز گناهکار متخلف همواره سعی می کند که دیگران را با

خود همدرد و شریک سازد.

عنوان برنامه بعدی ما "بزرگی یا کوچکی گناه" خواهد بود که توجه شما را به شنیدن آن جلب میکنیم.